

## پدیده علم‌زدگی و پاسخ به چند شبهه دکتر سها مؤلف «نقد قرآن»

حسین رضایی<sup>۱</sup> - محمود واعظی<sup>۲</sup> - رامین اژدری<sup>۳</sup>

### چکیده

پدیده «علم‌زدگی» یکی از پیامدهای مکتب اومانسیسم است و بر علم به عنوان تنها مبنای شناخت هستی تکیه دارد. این مبنای فکری در شناخت برخی موضوعات، به‌ویژه مباحث فرامادی‌ای مانند الهیات، ناکارآمد بوده و سبب کج‌فهمی‌هایی شده است. مؤلف کتاب **نقد قرآن** نیز براساس دیدگاه یادشده، در برخی آیات قرآن شبهاتی ایجاد کرده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی پس از بررسی پدیده علم‌زدگی و خاستگاه آن، ناظر به برخی شبهات ادعایی کتاب **نقد قرآن**، به تناسب سه پاسخ ارائه کرده است: ۱. تعارض برخی گزاره‌های قرآنی با یافته‌های علوم تجربی ظاهری است. ۲. یافته‌های علوم طبیعی درباره برخی گزاره‌های قرآنی هنوز به نتیجه نرسیده است. ۳. برخی گزاره‌های قرآنی از نوع درون‌دینی بوده و در علوم تجربی دلیلی بر رد آن‌ها وجود ندارد. **کلیدواژه‌ها:** قرآن و علم، علم‌زدگی، انسان‌گرایی، نقد قرآن، دکتر سها.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

hossein.rezaee@ut.ac.ir

mvaezi@ut.ac.ir

ramin.azhdari1398@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران.

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران.

دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

## ۱. مقدمه

بعد از رنسانس، جهان غرب شاهد رشد سریع علوم جدید بود؛ اما از آنجا که در درون علوم جدید، نطفهٔ تعارض با دین مسیحی نیز وجود داشت، مسئله‌ای به نام «تعارض علم و دین» پدید آمد. بعدها، به تدریج این مسئله به شکل یک مسئلهٔ کلامی درآمد و با عنوان «نسبت علم و دین» موضوع مطالعهٔ فیلسوفان دین قرار گرفت (محیطی اردکان، ۱۳۹۲: ۳۰). برخی از مخالفان اسلام نیز با استفاده از تعارض کلیسا با علم در عصر روشنگری اروپا و قیاس آن با اسلام، شبهاتی دربارهٔ تعارض علم با اسلام و به ویژه قرآن مطرح کردند، که براساس آنچه در پژوهش حاضر بدان پرداخته شده، قیاس مع الفارق است. توضیح مطلب اینکه بنای قرآن، به عنوان اساس اسلام، بر علم است<sup>۱</sup> و قرآن نازل شده از سوی پروردگاری است که خود خالق هستی بوده و به اوضاع جهان، قوانین و همهٔ جزئیات آن آگاه است.<sup>۲</sup> بر این اساس، برخی با این پیش فرض که علوم تجربی معتبرترین علوم بشری بوده و صحت دیگر علوم به میزان هماهنگی با آن بستگی دارد، صحت گزاره‌های متافیزیکی و علمی قرآن را انکار کرده و کوشیده‌اند این داده‌ها را متعارض با علوم معرفی کنند. این مبنای فکری که در مطالعات معاصر از آن با عنوان «علم‌زدگی» یاد می‌شود،<sup>۳</sup> عامل خلق شبهات دینی‌ای است که فضای مجازی جولانگاه آن شده است. از این رو، پژوهش حاضر از طریق بررسی نمونه‌هایی از شبهات مطرح شده به تحلیل ادعای یادشده پرداخته است. اگرچه باید به این نکته توجه کرد که از طریق بررسی چند نمونه نمی‌توان

۱. «فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ» (هود / ۱۴)؛ بدانید که این کتاب به علم خدا نازل شده.

۲. «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (ملک / ۱۴)؛ آیا کسی که [همهٔ موجودات را] آفریده است، نمی‌داند؟ و حال آنکه او باریک‌دان و آگاه است.

۳. از جمله طرفداران نظریهٔ علم‌زدگی می‌توان به اشخاص زیر اشاره کرد: ۱. برخی از فیلسوفان علم، مانند: کارل پوپر و توماس کوهن؛ ۲. برخی از دانشمندان، مانند آیزاک نیوتن و آلبرت انیشتین؛ ۳. برخی از سیاست‌مداران، مانند نیکسون و بوش. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: اعرافی، نقد و بررسی تئوری عصرت معرفت دینی، ۱۳۸۹ش؛ هابرماس، شناخت و علاقه‌های انسانی، ۱۴۰۰ش.

حکم کلی داد، این کار می‌تواند گامی باشد که به سست شدن مبنای یادشده و شبهات مبتنی بر آن بینجامد.

اهمیت پژوهش حاضر از این نظر است که ایجاد تردید در ذهن معتقدان به قرآن، زمینه‌ی اجرایی شدن آن را سست کرده و اساس اسلام را با چالشی جدی مواجه می‌کند؛ چراکه قرآن اصلی‌ترین حجت بر حقانیت اسلام و رسالت خاتم پیامبران است و با تردید در آن، دلیلی برگرایش به دین خاتم باقی نخواهد ماند. بدین سان، اگرچه مسئله پژوهش حاضر جزئی است، رفع شبهه از آن و حل مشکل، گامی مهم در راستای دفاع از دین خاتم خواهد بود. پژوهش حاضر در پی آن است که روشن سازد، عقاید صاحب کتاب نقد قرآن در طرح شبهات بر چه مبنایی استوار است و این شبهات در اثبات مدعی او وافی به مقصود است یا خیر؟

## ۲. پیشینه تحقیق

مسئله علم دینی، شبه علم، رابطه میان علم و دین و علم سکولار، به‌ویژه بعد از رشد علوم تجربی در دوران رنسانس، مسئله‌ای مهم قلمداد شده و درباره آن پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است.<sup>۱</sup> در این میان، انگاره و مفهوم علم‌زدگی نیز به‌عنوان ثمره این پدیده بررسی و در حوزه‌های علوم انسانی، محور تحقیقات واقع شده تا نسبت آن با اسلامی شدن دانشگاه‌ها مشخص شود (مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۱). نکته قابل توجه این است که درباره نقد مفهوم علم‌زدگی و ارتباط آن با شبهات قرآنی، طبق جست‌وجوهای صورت‌گرفته، پژوهش خاصی انجام نشده است.

درباره پاسخ به شبهات کتاب نقد قرآن دکتر سها و دیگر شبهات مربوط به تعارض

۱. برای نمونه بنگرید به: غفوری، بررسی مفهومی علم سکولار و علم دینی، ۱۳۸۵ ش؛ خطیری یانه‌سری، «ماجرای غم‌انگیز علم‌زدگی؛ پاسخ به برخی شبهات آقای رسول جعفریان در مورد علم دینی، شبه علم، سکولاریسم و طب سنتی»، ۱۳۹۹ ش.

دین و علم نیز کتاب، پایان‌نامه و مقالات متعددی نوشته شده که برخی موارد آن عبارت‌اند از: «تحلیل محتوای کیفی کتاب "نقد قرآن" دکترسها (با تأکید بر مبانی فکری مؤلف)» (عرب صالحی، ۱۴۰۰ش)، «بررسی انتقادی برخی شبهات پزشکی دکترسها پیرامون آیاتی از قرآن کریم و سنت نبوی» (خیراللهی و دیگران، ۱۳۹۸ش)، «نقد دیدگاه سها درباره روح انسان با تأکید بر آراء مفسران فریقین» (محسنی، ۱۴۰۰ش)، «بررسی شبهات دکترسها در مورد هفت آسمان در قرآن کریم» (رضایی، ۱۳۹۸ش)، «بررسی شبهات قرآن و علم و شیوه برخورد با آن‌ها با تأکید بر نظریات معرفت و دکترسها» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۵ش)، «بررسی سه نمونه از دعاوی ناسازگاری قرآن و علم» (نجفی، ۱۳۹۲ش)، «بررسی تعارض قرآن و علم از واقعیت تا توهم» (کریم پور قراملکی، ۱۴۰۰ش)، «پیش‌فرض‌های مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علم» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱ش) و ...

وجه نوآوری پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات پیشین، تبیین خاستگاه و نقد مبنایی مفهوم علم‌زدگی است که موجب پیدایش شبهات مربوط به تعارض علم و دین شده و نتیجه آن خود را در شبهات قرآنی متعدد نشان داده که خلأ چنین نقد مبنایی‌ای در پژوهش‌های یادشده مشهود است. پژوهش حاضر که نقدی متن‌محور است، با گرایشی انتقادی و با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای انجام شده و بر آیات قرآن کریم، کتاب‌های مرجع در زمینه علوم مربوطه، توجه به مفردات مورد بحث و یافته‌های مسلم علوم طبیعی استوار است. برای پاسخ به شبهات نیز ابتدا متن شبهه از کتاب نقد قرآن آورده شده، سپس پاسخ لازم ارائه شده است.

### ۳. واکاوی مفهوم علم‌زدگی و خاستگاه آن

اصطلاح علم‌زدگی (Scientism) توسط فیلسوف انگلیسی-استرالیایی فردریک

هایک<sup>۱</sup> (متوفای ۱۹۹۲م) رایج شد که آن را به «تقلید برده‌وار از روش و زبان علم» تعریف کرده است (Matas, 2017: 55). تام سورل<sup>۲</sup>، فیلسوف کانادایی، در این باره می‌گوید: «علم‌زدگی عبارت است از ارزش‌گذاری بیش از حد برای علوم طبیعی در مقایسه با سایر شاخه‌های یادگیری» (Yakushko, 2019: 155). الکساندر روزنبرگ<sup>۳</sup>، فیلسوف آمریکایی، نیز علم‌زدگی را عقیده‌ای می‌داند که طبق آن «علم [تجربی] تنها منبع قابل اعتماد دانش است» (Stenmark, et al, 2018: 185). در فرهنگ‌نامه لغت برخط «Meriam-Webster»<sup>۴</sup> نیز در تعریف علم‌زدگی چنین آمده است: «اعتماد مبالغه‌آمیز به کارایی روش‌های علوم طبیعی که در همه زمینه‌های تحقیق، مانند: فلسفه، علوم اجتماعی و علوم انسانی به کار می‌رود».<sup>۵</sup> در واقع علم‌زدگی باوری است که در آن، علم و روش علمی بهترین یا تنها ابزار عینی‌ای است که باید به وسیله آن ارزش‌های هنجاری و معرفتی تعیین شود (Quinton, 1999: 775). مفاد مندرج در تعریف اخیر شباهت زیادی به مفاهیم مطرح شده در دیدگاه «انسان‌گرایی سکولار» دارد. انسان‌گرایی یا اومانیزم که می‌توان آن را شالوده فرهنگ بعد از رنسانس در غرب نامید، فلسفه‌ای است که بر ارزش انسان با تمام پتانسیل خلاقانه‌اش در یک زمینه سکولار تأکید کرده و در آن، انسان معیار شناخت حق، اخلاق و همه ارزش‌هاست. اومانیزم نسبت به باورهای دینی بدین است و بر علم به عنوان مبنای شناخت هستی تکیه دارد (Herrick, 2005: 105). منظور از باورهای دینی در اینجا، اعتقادات پایه‌ای مسیحیت، از قبیل تثلیث و تصلیب است که حتی به اقرار متخصصان عهد جدید،<sup>۶</sup> با عقل و منطق تعارض آشکاری داشته و همین تعارضات بین

1. Friedrich August von Hayek.

2. Tom Sorell.

3. Alexander Rosenberg.

4. <https://www.merriam-webster.com/>.

5. Scientism Definition & Meaning - Merriam-Webster.

۶. لغت‌نامه Unger's Bible Dictionary در تبیین واژه تثلیث می‌گوید: «مفهوم تثلیث توسط انسان قابل

درک نیست. همه متفکران این رشته (الهیات تثلیثی) قبول کرده‌اند که الهامات کتاب مقدس ما را به

عقلانیت و مسیحیت، به همراه استبداد کلیسای کاتولیک در قرون وسطی باعث بروز افکار دگراندیشانه و فراهم آمدن زمینه تحولات اجتماعی (رنسانس) در غرب شد. در واقع مکتب انسان‌گرایی را می‌توان واکنشی افراط‌گرایانه نسبت به عقاید خرافی در ادیان تحریف شده نامید. به عبارت دیگر، پایه‌گذاران اومانیسم در صدد آن بودند که روح آزادی و خودمختاری انسان را که در قرون وسطی توسط کلیسای کاتولیک از دست رفته بود، بار دیگر به او بازگردانند؛ اما از آن سوی بام فرو افتادند؛ به این معنا که در اصل اعتقاد به خدا و زندگی پس از مرگ تردید کرده و کوشیدند که برای سنجش حق، اخلاق و ارزش‌ها اصولی خارج از چارچوب دین تعیین کنند. اما از آنجا که آنان برای شناخت حق هیچ معیاری جز خود انسان و تمایلات نفسانی او نیافتند، به آزادی‌های نامحدود فردی - مادامی که در تعارض با منافع دیگران نباشد - قائل شدند. یکی از ثمرات این مکتب فلسفی مفهوم علم‌زدگی است. با رجوع به نظرات برخی از صاحب‌نظران فلسفه علم، مانند پل فایرابند<sup>۱</sup> اتریشی نیز مشخص می‌شود که ریشه‌ها و سرچشمه‌های چنین عقیده‌ای را واقعاً باید در تفکرات افرادی مانند: اومانیست‌های سکولار و مارکسیست‌ها جست‌وجو کرد (Feyerabend, 1993: 55)؛ یعنی همان تفکراتی که اصل و اساس آن‌ها را خداناباوری تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که گفته شد، در دیدگاه اومانیسم بر علوم طبیعی به عنوان مبنای شناخت هستی تکیه شده است (Herrick, 2005: 105). در واقع برای فردی که به وجود خالق برای جهان باور ندارد، انسان، تمایلات او و هرآنچه با تجربه (علوم طبیعی) بدان دست می‌یابد، معتبر بوده و معیار تشخیص خواهد بود و لاغیر.

تعاریف و ویژگی‌های یادشده از مفهوم علم‌زدگی، مانند: «ارزش‌گذاری بیش از حد برای علوم طبیعی»، «علوم تجربی را تنها منبع قابل اعتماد دانش دانستن»، «اعتماد

→ سوی یک رمز و راز عمیقی هدایت می‌کند و تمامی تلاش‌های بشری برای بیان تثلیث ناقص می‌باشد». همچنین سایت [New World Encyclopedia.org](http://New World Encyclopedia.org) درباره تثلیث می‌گوید: «درک آن از طریق عقل دشوار است».

1. Paul Feyerabend.

مبالغه آمیز به کارایی روش های علوم طبیعی در همه زمینه ها و ... کاملاً با برخی ادعاهای سها در نقد قرآن منطبق است؛ برای نمونه او می گوید:

- «علوم تجربی معتبرترین دانش های بشری هستند و دقت و صحت علوم دیگر بسته به میزان هماهنگی آنان با دانش تجربی است» (سها، ۱۳۹۳: ۵۴).

- «تمام حیطه های فوق (حقوقی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، تربیتی) و دیگر حیطه های تمدن بشری متکی به دانش تجربی اند» (همان، ۵۳).

ادعای یادشده به صورت واضح به مبنای فکری نویسنده نقد قرآن در این باره اشاره کرده و نشان دهنده این واقعیت است که او با استفاده از این مبنا و پیش فرض، آیات قرآن کریم را نقد کرده است.

#### ۴. نقد مفهوم علم زدگی

در نقد مبنای علم زدگی افزون بر نقد وارد بر اساس آن که خداناباوری است، باید گفت که بی شک، علل و عوامل مادی در پیدایی پدیده های طبیعی نقش دارد. در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام نیز نه تنها بارها به نقش چنین عواملی در پیدایش پدیده ها و اهمیت فراگیری علوم اشاره شده، بلکه تصریح شده است که خداوند از ایجاد پدیده های طبیعی، بی دخالت علل مادی خودداری می ورزد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«خدا خودداری و امتناع فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد؛ پس برای هر چیزی سبب و وسیله ای قرار داد» (کلینی، ۱۳۸۷: ۱/۱۸۳).

همچنین خداوند در قرآن کریم پدیده های طبیعی را از نشانه های وجود و قدرت خویش برشمرده که بررسی و تفکر درباره آن ها می تواند انسان را به سوی حق و حقیقت رهنمون شود؛ برای نمونه قرآن کریم در آیه ۵۳ سوره فصلت می فرماید: ﴿سُرِّبَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾؛ به زودی آیات خود را هم در آفاق و هم در نفوسشان به آن ها نشان خواهیم داد تا آشکار شود که او حق است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز درباره اهمیت فراگیری علوم، احادیث متعددی نقل شده که

ایشان طلب علم را بر هر مسلمان مرد و زنی واجب دانسته‌اند.<sup>۱</sup> در واقع دین الهی نه تنها منکر علل مادی نیست، بلکه بر وجود و لزوم شناسایی آن‌ها تأکید می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۶). حتی می‌توان گفت: در دیدگاه خدا باورانه حقیقی، همه علوم الهی هستند<sup>۲</sup> و پیشرفت علوم موجب می‌شود که علم (منظور علوم طبیعی است)، جایگزین خرافات و کج‌فهمی‌ها شود؛ اما این به معنای آن نیست که علوم طبیعی همه علم است و به جز آن، علم معتبر دیگری وجود ندارد. در جهان بینی الهی، دانش تجربی فقط بخشی از نیازمندی‌های انسان را تأمین می‌کند و نه همه آن را؛ زیرا بعد از اثبات وجود خالق (که البته اثبات آن خارج از حوصله پژوهش حاضر است)، برای شخص باورمند سؤالاتی پیش خواهد آمد که از حیطة دسترسی عقل و تجربه انسانی خارج بوده و علوم طبیعی از دادن پاسخ به آن سؤالات عاجز است. در واقع در دیدگاه خدا باورانه، شأنیت پاسخ به سؤالاتی مانند: هدف خلقت، راه رسیدن به آن، سرانجام انسان و ... را فقط خداوند داراست و این پاسخ‌ها می‌باید از طریقی که بدان «وحی» گفته می‌شود، به بشر ارائه شود و

۱. برای نمونه: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»، «طلب العلم فريضة من فرائض الله»، «طلب العلم فريضة على كل حال»، «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»، «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ أَوْ بِالصَّيْنِ» و ... (کلینی، ۱۳۸۷: ۷۲/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۹: ۲۷/۲۷).

۲. بین علوم دینی و علوم طبیعی از منظر جهان بینی الهی جدایی وجود ندارد؛ زیرا در یکی از آن‌ها (علوم دینی) قول و گفتار خداوند بررسی شده و در دیگری (علوم طبیعی) به بررسی و کشف حقایق موجود در عالم آفرینش و تفسیر خلقت که فعل خداوند حکیم است، پرداخته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۸۶). در واقع هر دو علوم الهی هستند و علم غیر الهی وجود ندارد. حال اگر دانشمندی در رشته خاصی از علوم متبحر شد، ولی این دانش او به خداشناسی و معرفت نسبت به عظمت خالق قادر نینجامد، علم او مصداق بارزی از جهل است که نه تنها سودی به حالش ندارد، بلکه موجب هلاکت معنوی و روحی‌اش خواهد بود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حکمت ۱۰۷ نهج البلاغه در این باره می‌فرماید: رَبِّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ، وَعَلِمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ؛ چه بسیار دانشمندانی که (علم آن‌ها از حد آشنایی با اصطلاحات تجاوز نکرده و) جهلشان باعث هلاکتشان شده و علمی که با آن هاست نفعی برایشان ندارد.



در صورت اثبات «وحی و الهی بودن کلامی» به وسیله معجزه و بیّنه،<sup>۱</sup> عقل انسان می باید در مقابل چنین علم ناب و خالصی سر تعظیم فرود آورده و مطیع باشد. توضیح مطلب اینکه سرچشمه این نوع از علم خالق جهان است که به آفریده خویش از هرکسی داناتر بوده و قاعدتاً مطالب آن با نتایج قطعی علوم طبیعی سازگار است و برخلاف نظریه های علوم طبیعی، خطا در آن راه ندارد (سها نیز به این قاعده عقلی اقرار کرده است).<sup>۲</sup> از این رو در دیدگاه خدا باورانه، این وحی است که تنها منبع قابل اعتماد دانش بوده و تنها ابزار عینی ای است که باید به وسیله آن ارزش های هنجاری و معرفتی تعیین شود؛ یعنی دقیقاً عکس آن چیزی که در دیدگاه اومانیزم سکولار و مارکسیسم درباره ارزش و جایگاه علوم طبیعی مطرح است. در دیدگاه های یاد شده به دلیل مبنای بی اعتقادی به آفریدگار دانا، بیش از حد معقول و منطقی به علوم طبیعی میدان داده شده و این علوم بیرون از حیطه دسترس خود به کار گرفته می شوند؛ به عبارت دیگر، اعتماد مبالغه آمیز به علوم طبیعی در زمینه ای که این علوم در آن کاربرد نداشته و یا شواهد تجربی کافی برای توجیه یک نتیجه علمی وجود ندارد، مشکل آفرین خواهد بود (Jackson & Stockwell, 2011: 85).

## ۵. بررسی انتقادی مفهوم علم زدگی با تکیه بر برخی شواهد ادعایی

دو خطای ناشی از علم زدگی؛ یعنی استفاده از علوم طبیعی در غیر محلّ کاربرد آن و

۱. برای اثبات مصادیقی در تبیین اعجاز قرآنی بنگرید به: خیراللهی و رضایی، «بررسی انتقادی شبهات کتاب نقد قرآن پیرامون آیات مربوط به جنین شناسی»، ۱۳۹۷ش؛ معارف و دیگران، «مطالعه انتقادی شبهات کتاب "نقد قرآن" درباره خلقت کوه ها در قرآن کریم و نهج البلاغه»، ۱۳۹۸ش؛ خیراللهی و دیگران، «بررسی انتقادی برخی شبهات پزشکی دکتر سها پیرامون آیاتی از قرآن کریم و سنت نبوی»، ۱۳۹۸ش.

۲. او می گوید: «اگر قرآن از خدا باشد، بدون خطا و ضعف و دارای معجزه است» (سها، ۱۳۹۳: ۲۹). همچنین سها تنها راه شناخت پیامبر وحی را نیز معجزه دانسته است (همان، ۳۱۰)؛ به عبارت دیگر اگر با معجزه خدایی بودن کلامی ثابت شود، خطا و ضعف در آن راه نخواهد داشت.

عدم فهم صحیح و کامل یک نظریه علمی و نتیجه‌گیری و شبهه‌سازی براساس اطلاعات ناقص باعث مطرح شدن غالب شبهات فصل دوم نقد قرآن (خطاهای علمی قرآن) توسط سها شده است. در اینجا، به بررسی چهار عنوان از شبهات کتاب نقد قرآن پرداخته می‌شود.

### ۵-۱. نمونه اول (تعیین جنسیت بعد از علقه)

سها بر آیات مربوط به جنین‌شناسی قرآن کریم نقدهای متعددی وارد کرده که موضوع یکی از آن‌ها «تعیین نرو ماده پس از علقه» است. در قرآن چنین آمده است: «أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّن مَّنِي يَمْنَىٰ \* ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ \* فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ» (قیامت / ۳۷ - ۳۹)؛ آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود، نبود، سپس به صورت علقه درآمد و خداوند او را آفرید و موزون ساخت، پس از او دو زوج مرد و زن آفرید.

سها پس از ذکر آیات یادشده می‌گوید: «در تفسیر آیات فوق احادیثی با مضمون واحد آمده است؛ از جمله: پیامبر گفت: نطفه در رحم به مدت چهل شب قرار می‌گیرد. سپس فرشته‌ای را به سوی آن می‌فرستد. فرشته می‌پرسد: ای خدا مرد باشد یا زن؟ سپس خدا او را مرد یا زن قرار می‌دهد. این آیات می‌گویند که نرو ماده بودن جنین پس از مرحله علقه معین می‌شود که غلطی فاحش است؛ چون جنسیت جنین به محض تشکیل سلول تخم (ترکیب اسپرم و تخمک در چند ساعت اولیه پس از آمیزش جنسی) مشخص است» (سها، ۱۳۹۳: ۵۸).

### بررسی و نقد

از نظر علم طب، مردان دو نوع گامت<sup>۱</sup> ایکس‌دار (x) و ایگرگ‌دار (y) و زنان نیز در کل یک نوع گامت ایکس‌دار تولید می‌کنند (Russell, et al, 2014: 1/267). اگر گامت ایکس‌دار مرد با گامت زن که فقط ایکس‌دار است، لقاح انجام دهد، همان لحظه لقاح،

۱. گامت یاخته‌ای تخصص یافته می‌باشد که مسئول تولید مثل جنسی است.

فرزند دختر (xx) خواهد شد و چنانچه گامت ایگرگ دار مرد لقاح انجام دهد، جنین پسر (xy) خواهد بود. بدین سان، این جملهٔ سها که «جنسیت جنین به محض تشکیل سلول تخم مشخص» می‌شود از نظر پزشکی صحیح است. سها همچنین در تفسیر آیات یادشده، روایتی از پیامبر ﷺ از کتاب صحیح مسلم نقل کرده<sup>۱</sup> که راوی آن حذیفه بن اسید غفاری است که از اصحاب بیعت شجره (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱/۳۳۵)، حواری خاص امام حسن علیه السلام (طوسی، ۱۳۸۲: ۱/۱۰) و از مؤتقان حدیث اهل سنت (ابن عساکر، ۱۳۹۷: ۱۲/۲۵۵) و شیعه (طوسی، ۱۳۸۲: ۲/۷۷) است؛ از این رو حدیث وی قابلیت استناد دارد. اما نتیجه‌ای که سها از مجموع این داده‌ها می‌گیرد، از جنبهٔ علمی و تفسیری ناقص است؛ زیرا قرآن کریم افزون بر آیات یادشده، در سورهٔ نجم نیز دربارهٔ تعیین جنسیت سخن گفته و چنین می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ \* مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ﴾ (نجم / ۴۵-۴۶)؛ و اوست که دوزوج نرو ماده را آفرید از نطفه آن‌گاه که در رحم می‌ریزد.

در این آیه در عبارت «إِذَا تُمْنَىٰ؛ آن‌گاه که در رحم می‌ریزد»، به صراحت زمان تعیین جنسیت جنین همان لحظهٔ لقاح و تشکیل سلول تخم عنوان شده است. اما سؤالی که پیش می‌آید این است که چرا مضمون این آیات با آیات و روایتی که سها ذکر کرده تنافی دارد؟ در پاسخ باید گفت: در آیات سورهٔ نجم که زمان تعیین جنسیت همان لحظهٔ لقاح عنوان شده، سخن از خلق جنسیت مطرح است: ﴿خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ﴾؛ اما در سورهٔ قیامت (آیاتی که سها ذکر کرده)، از جعل جنسیت جنین سخن گفته شده ﴿فَجَعَلَ مِنْهُ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ﴾ و جعل جنسیت بعد از شروع مرحلهٔ علقه دانسته شده است. بین «خلق جنسیت» در سورهٔ نجم و «جعل جنسیت» در سورهٔ قیامت تفاوت وجود دارد. خلق به معنای اصل ایجاد و اصل وجود چیزی است؛ ولی جعل به معنای بروز کیفیات و

۱. «حَدَيْفَةُ بْنُ أَبِي غَفَارٍ، قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بِأَذْنِي هَاتَيْنِ، يَقُولُ "إِنَّ النُّطْفَةَ تَقَعُ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ يَتَصَوَّرُ عَلَيْهَا الْمَلَكُ فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَذْكَرٌ أَوْ أُنْثَىٰ، فَيَجْعَلُهُ اللَّهُ ذَكَرًا أَوْ أُنْثَىٰ"» (قشیری نیشابوری، ۱۴۲۶: ۴/۲۰۳۸).

درباره خواص، آثار و کیفیاتی است که به دنبال آن‌ها به وجود می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۸۹ / ۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۴۵). به تعبیر دیگر، آیات سوره قیامت به زمان بروز و ظهور جنسیتی، که پیش‌تر مشخص شده بود، اشاره دارد. طبق روایتی که سها از پیامبر ﷺ نقل کرده، زمان دقیق ظهور جنسیت چهل روز بعد از لقاح تعیین شده است. در این روایت عبارت «فَيَجْعَلُهُ» چنان‌که گفته شد، بیان ظهور جنسیت جنین است و عبارت «يَتَصَوَّرُ عَلَيْهَا؛ [فرشته] آن را شکل می‌دهد»، بیان نوع ظهور جنسیت است که همان صورت‌گیری فرشته است؛ یعنی فرشته بعد از چهل روز به اذن خداوند شروع به شکل‌دهی جنسیت جنین (آغاز تمایز و آشکار شدن آلت تناسلی خارجی) می‌کند. اینک مضمون روایت از نظر پزشکی بررسی می‌شود:

پس از عمل لقاح، اولین سلول به وجود آورنده انسان (زیگوت) تشکیل شده، سپس تقسیمات نسبتاً سریع و پی‌درپی در داخل لوله رحم آغاز می‌شود. سلول‌های جدید در حال تقسیم به سوی رحم سوق داده شده و در حدود اوایل روز ششم پس از عمل لقاح به رحم رسیده و لانه‌گزینی را شروع می‌کنند (Sadler, 2012: 29). بعد از چسبیدن به دیواره رحم نیز تقسیمات سلولی همچنان ادامه می‌یابد تا آنجا که از نظر علم جنین‌شناسی، از هفته چهارم به بعد، اجزای رویان شروع به شکل‌یافتن می‌کنند. شکل‌گیری اعضای تناسلی خارجی نیز مانند دیگر اعضا آغاز می‌شود؛ اما بنابر کتاب جنین‌شناسی پزشکی اثر توماس سادلر که در حال حاضر از معتبرترین کتاب‌های جنین‌شناسی جهان است، تا اواخر هفته ششم، تشخیص اعضای تناسلی خارجی در نرو ماده غیرممکن است (Sadler, 2012: 251) و این دقیقاً همان زمانی است که پیامبر ﷺ در حدیث پیش‌گفته به آن اشاره می‌فرمایند. نکته مهم دیگر اینکه در آیه ۴۵ و ۴۶ سوره نجم، عامل تعیین جنسیت، نطفه مرد معرفی شده و می‌فرماید: «مِنْ نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى»؛ از نطفه آن‌گاه که در رحم می‌ریزد. همچنین در آیه ۳۹ سوره قیامت «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى»، ضمیر متصل (ه) در عبارت «فَجَعَلَ مِنْهُ» به منی برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر عامل تعیین جنسیت، «نطفه مرد» است و چنان‌که گفته شد، جنسیت سلول لقاح یافته، به گامت (نوع کروموزوم

جنسی) سلول مذکر (منی / نطفه مرد) بستگی دارد و گامت زن در این امر نقشی ایفا نمی‌کند. این حقایق دقیق برای اهل انصاف، مصداقی روشن از حقانیت قرآن کریم است؛ اما سها براساس اطلاعات ناقص، آن را خطای علمی می‌پندارد.

### ۲-۵. نمونه دوم (انکار وجود روح)

سها در فصل نهم کتاب خود تحت عنوان «انسان در قرآن» آیات مربوط به وجود روح در قرآن را نقد کرده و می‌گوید: «هیچ دلیل عقلی و علمی‌ای بر وجود روح در انسان وجود ندارد و وجود روح با بسیاری از شواهد فیزیولوژیک و روان‌شناسی هم ناسازگار است. همه دانش‌های امروزی مربوط به انسان متکی بر جسم موجود قابل مشاهده است و هیچ دلیلی بر ارتباط این جسم با چیزی غیرمادی هم وجود ندارد» (سها، ۱۳۹۳: ۴۷۰).

### بررسی و نقد

چنان‌که گفته شد، اعتماد مبالغه‌آمیز به علوم طبیعی در زمینه‌ای که این علوم در آن دخالت و کاربرد ندارند، مشکل‌آفرین و خطا خواهد بود. سها نیز در بسیاری از موارد، موضوعاتی را نقد کرده که در حیطه علوم تجربی نگنجیده و در این علوم دلیلی بر نادرستی آن مفاهیم وجود ندارد. نکته دیگر اینکه، او در خلال این نقدهای به ظاهر علمی و عقلی، دچار خطای راهبردی دیگری در نحوه استدلال شده و آن «نقد برون‌دینی برخی گزاره‌های درون‌دینی متکی به نقل» است. گزاره‌هایی را که در یک دین مورد بررسی قرار می‌گیرند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. گزاره‌هایی که می‌توان آن‌ها را مورد بررسی علمی و عقلی قرار داد و صحت و سقم آن گزاره‌های دینی را از راه علم و عقل بررسی کرد؛ مانند شبهه ذکرشده در نمونه اول؛
۲. گزاره‌هایی که نمی‌توان آن‌ها را مورد بررسی علمی و عقلی قرار داد؛ بلکه فقط از راه نقل (مانند حوادث تاریخی) و متون مقدس آن دین می‌توان به فهم، اثبات یا نفی آن‌ها پرداخت؛ برای نمونه نمی‌توان چرایی دو رکعت بودن نماز صبح را از دیدگاه علمی و عقلی بررسی و نقد کرد.

درباره گزاره‌های دینی نوع دوم باید گفت: همان‌گونه که برخی مسائل، مانند اثبات نبوت شخص خاصی تنها از نگاه برون‌دینی قابل طرح بوده و بررسی این مسائل از راه گزاره‌های درون‌دینی به دور خواهد انجامید، نوع دیگری از موضوعات دینی تنها از نگاه درون‌دینی قابل طرح بوده و بررسی و نقد آن‌ها از راه گزاره‌های برون‌دینی نیز به دور می‌انجامد. توضیح مطلب اینکه انکار حقانیت یک دین از طریق نقد برون‌دینی این نوع از گزاره‌ها به انکار حقانیت آن دین از قبل، وابسته است. در شبهه یادشده نیز اگرچه نقد مطرح‌شده از نظر علوم تجربی خالی از اشکال نیست،<sup>۱</sup> در پاسخ باید گفت: شناخت حقیقت روح از علوم غیبی است که جز از طریق وحی راهی به فهم آن‌ها نیست. قرآن کریم به صراحت به این موضوع پرداخته و می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (اسراء / ۸۵)؛ درباره روح از تو می‌پرسند، بگو روح از [سنخ] امر پروردگار من است. امر الهی همان فعل مخصوص به خداست؛ بدون اینکه اسباب وجودی و مادی در آن دخالت داشته و با تأثیرات تدریجی خود در آن اثر بگذارند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۲۷۴)؛ از این رو بحث روح هرگز در حیطه علوم طبیعی نمی‌گنجد و علم امروزی دلیلی بر رد آن ندارد.

۱. علوم تجربی با شواهدی از وجود روح روبه‌رو است؛ برای نمونه «تله‌پاتی» که انتقال متناوب اطلاعات از شخصی به شخصی دیگر، بدون استفاده از کانال‌های حسی شناخته شده است. هیئت تحقیق مأمور از سوی «تحقیقات ملی ایالات متحده» درباره تله‌پاتی به این نتیجه رسیده که «علی‌رغم سابقه ۱۳۰ ساله تحقیقات علمی در مورد چنین مواردی، کمیته ما هیچ توجیه علمی‌ای برای وجود پدیده‌هایی مانند ادراک فراحسی یا تله‌پاتی ذهنی نیافته است» (Pigliucci & Boudry, 2013: 158) و یا «تجربه‌های نزدیک به مرگ» که نوعی تجربه شخصی است و مورد توجه دانشمندان علوم تجربی نیز قرار گرفته است؛ برای نمونه یکی از تجربه‌های مشترکی که از سوی تجربه‌گران مرگ گزارش شده، خروج از بدن و ادراک بدن خود از موقعیت بیرونی و گاهی نیز مشاهده «خدمه پزشکی... در حال تلاش برای احیاء» است (Morse, et al, 1985: 595).

## ۳-۵. نمونه سوم (شیطان)

سها در فصل نهم کتابش (انسان در قرآن) درباره دشمنی شیطان با انسان می نویسد: «قرآن می گوید که موجودی غیرمادی به نام شیطان دائماً در پی گمراه کردن انسان و راندن وی به سوی شرور است ... هیچ دلیل علمی یا عقلی ای بر وجود چیزی به نام شیطان یا اهریمن وجود ندارد و شواهد علمی با چنین باوری ناسازگارند» (سها، ۱۳۹۳: ۴۷۱).

## بررسی و نقد

موضوع «اثبات شیطان، ویژگی هایش و چگونگی عمل او در گمراه کردن انسان ها» نیز از گزاره های درون دینی نوع دوم است که تنها می توان از منظر نصوص دینی به فهم، اثبات یا نفی آن ها پرداخت و جایی برای نقد برون دینی آن ها وجود ندارد؛ چراکه بعد از اثبات حقانیت قرآن کریم از طریق اعجاز، شناختن حقایقی مانند فرشتگان و شیطان جز از طریق آیات و روایات ممکن نبوده و راهی به فهم حقیقت و ویژگی های آن ها از طریق علمی و عقلی وجود ندارد (بنگرید به: سید قطب، ۱۴۱۲: ۶ / ۳۶۳۴). در واقع موضوع شیطان نیز همچون موضوع روح در حیطه علوم طبیعی نمی گنجد و علم امروزی دلیلی بر ردّ یا تأیید آن در دست ندارد<sup>۱</sup>.

## ۴-۵. نمونه چهارم (عامل بیماری های روانی)

سها در فصل دوم (خطاهای علمی قرآن) آیه ۲۷۵ سوره بقره<sup>۲</sup> را نقد کرده و می گوید:

۱. ولی همه ما انسان ها می یابیم عامل یا گوینده ای درونی ما را به ستم، پرخاشگری، دروغ، تجاوز به حقوق هموعان و مانند این گناهان وامی دارد. این عامل وسوسه گر در قرآن شیطان معرفی شده است. دلیل علمی و عقلی آن اخبار صادقی مصدق یعنی محمد امین است که تاریخ معرفی می کند. (مجله مشکوٰة).

۲. «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره / ۲۷۵)؛ کسانی که ربا می خورند، برنمی خیزند مگر مانند برخواستن کسی که شیطان بر اثر تماس، او را دیوانه کرده است.

«قدما و حتی بعضی قبائل عقب افتاده امروز بر این باورند که بیماری‌ها مخصوصاً بیماری‌های روانی در اثر تماس یا وارد شدن جنّ و شیطان به بدن فرد ایجاد می‌شود. محمّد این خرافه را وارد قرآن کرده است» (سها، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

### بررسی و نقد

در باره ادعای سها در مورد عبارت «يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» و نفی تأثیر شیطان بر جنون و بیماری‌های روانی باید گفت که ترجمه واژه «حَبَطَ» توسط سها به «جنون یا دیوانگی» خالی از اشکال نیست؛ زیرا ماده «حبط» به معنای کج و معوج راه رفتن است؛ چنان‌که وقتی راه رفتن شتر غیر طبیعی و نامنظم باشد، می‌گویند: «حَبَطَ الْبَعِيرُ» (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲/ ۲۴۱). معنای «مخبط» شدن انسان نیز این است که چنانچه انسان ممسوس شیطان شود؛ یعنی شیطان با او تماس گرفته و نیروی تمیز و تشخیص او را مختل سازد، خوب و بد را از یکدیگر تشخیص نداده و از راه مستقیم و نظام عقلایی زندگی منحرف می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/ ۶۲۹). ادامه آیه یعنی «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره / ۲۷۵) نیز به خوبی این معنا را روشن می‌سازد. در واقع قرآن کریم در آیه مورد بحث می‌فرماید: «کسانی که ربا می‌خورند بر نمی‌خیزند؛ مگر مانند کسی که شیطان بر اثر تماس، نیروی تشخیص او را مختل ساخته (و وی را از راه مستقیم زندگی منحرف نموده، پس خوب و بد را از یکدیگر تمیز نداده) و بدان سبب است که گفتند: جزاین نیست که دادوستد هم مانند رباست. (در صورتی که) خداوند دادوستد را حلال و ربا را حرام کرده است».

اما اگر فرض کنیم معنای واژه «حَبَطَ» جنون یا دیوانگی است، باز هم نمی‌توان گفت اشتباه علمی رخ داده است؛ زیرا نسبت دادن جنون به عللی مانند شیطان موجب ردّ علل مادی آن نشده و علل مادی جنون نیز سبب انکار اثر شیطان در جنون نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۲/ ۵۲۲). دیگر اینکه بر اساس نظر متخصصان



علم روان‌شناسی مانند: لن اسپری<sup>۱</sup> استاد روان‌پزشکی دانشگاه ویسکانسین، سانالو<sup>۲</sup> استاد اپیدمیولوژی و عضو پارتمان روان‌پزشکی بهداشت جهانی، هنری هاردن<sup>۳</sup> استاد علوم بهداشت دانشگاه بریتیش کلمبیای شمالی و... علل بیماری‌ها و اختلالات روانی مانند: افسردگی، اختلالات اضطرابی و... به طور کلی هنوز هم نامشخص است (Sperry, 2015: 507; Loue, 2008: 558; Harder, et al, 2014: 5) از این رو یافته‌های علم امروزی درباره بیماری‌های روانی ناکافی بوده و اطلاعات علوم تجربی در این زمینه، به اذعان دانشمندان مربوط، ناقص است.

### نتیجه

علم‌زدگی که «تقلید برده‌وار از روش و زبان علم» است و از مکتب فلسفی اومانیسم نشئت گرفته، همواره سبب کج‌فهمی‌های بسیاری درباره گزاره‌های متافیزیکی و علمی قرآن کریم و در نتیجه خلق شبهات قرآنی و اعتقادی شده است؛ زیرا علوم طبیعی را در زمینه‌ای به کار می‌گیرد که این علوم در آن کاربردی نداشته و یا در آن باره، شواهد تجربی ناقصی برای توجیه یک نتیجه علمی وجود دارد. سها نیز در نقد قرآن با این مبنای فکری آیات قرآن کریم را نقد کرده است. اما بر مبنای نمونه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، مشخص شد که وی در مواردی بر اساس اطلاعات ناقص، موضوعاتی را نقد کرده است که آن موضوعات:

۱. تعارضی با یافته‌های نوین علوم تجربی ندارند؛ مانند نقد تعیین جنسیت جنین بعد از علقه که مطابق یافته‌های جنین‌شناسی نوین است.
۲. یا مفاهیمی را نقد کرده که یافته‌های علوم طبیعی درباره آن‌ها هنوز به نتیجه قابل قبولی دست نیافته و ناقص است؛ مانند علل بیماری‌های روانی؛

---

1. Len Sperry.  
2. Sana Loue.  
3. Henry Harder.

۳. در مواردی نیز، گزاره‌های متافیزیکی را نقد کرده که در حیطه علوم تجربی نمی‌گنجد و این علوم دلیلی خردپذیر بر نادرستی آن مفاهیم ندارند و در واقع، دچار خطای راهبردی در نحوه استدلال شده است و آن «نقد برون‌دینی برخی گزاره‌های درون‌دینی متکی به نقل» است؛ مانند وجود شیطان.

۴. توضیح پایانی توجه دادن خوانندگان به این واقعیت علمی است که: بعضی دانش‌ها اصولاً «نقلی» است نه تجربی مانند تاریخ، (چنان که بعضی مانند طب «تجربی» است. در متدولوژی علوم بیان شده روش صحیح خردپذیر در علوم نقلی مانند تاریخ این است که پژوهشگر بر پایه اسناد و مدارک معتبر اخبار و منقولات تاریخی را بیابد و نقل کند، و همین‌گونه است اخبار مذهبی، در نتیجه آنچه از قرآن و تفسیرهای معتبر جدید نقل می‌شود به حکم عقل و «روش‌شناسی علوم» قابل قبول است و گرنه رد می‌شود.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، المحقق: علی محمد البجاوی، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۳. ابن عساکر، الحافظ أبی القاسم علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ۱۳۹۷ق.
۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، دار الفکر، بیروت، ۱۳۹۹ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۶. اعرافی، غلامرضا، نقد و بررسی تئوری عصریت معرفت‌دینی، مرکز فرهنگ و معارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، اسراء، قم، ۱۳۷۸ش.
۸. جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت‌دینی، پایگاه اینترنتی نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶ش.
۹. جوادی آملی، نسبت دین و دنیا؛ بررسی نظریه سکولاریسم، اسراء، قم، ۱۳۸۱ش.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۹ق.
۱۱. خطیری یانه سری، مرتضی، «ماجرای غم‌انگیز علم‌زدگی»، علوم انسانی اسلامی صدر، شماره سی و پنجم، ۱۳۹۹ش.

۱۲. خیراللهی، زهرا و حسین رضایی، «بررسی انتقادی شبهات کتاب نقد قرآن پیرامون آیات مربوط به جنین شناسی»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، دوره پنجاه و یکم، شماره ۲، ۱۳۹۷ ش.
۱۳. خیراللهی، زهرا و دیگران، «بررسی انتقادی برخی شبهات پزشکی دکترسها پیرامون آیاتی از قرآن کریم و سنت نبوی»، *قرآن و طب*، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۹۸ ش.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۵. سها، *نقد قرآن*، ویرایش دوم، ۱۳۹۳ ش.
۱۶. سید قطب، إبراهیم حسین الشاربی، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت. القاهرة، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، منشورات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، *إختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، ۱۳۸۲ ش.
۱۹. غفوری، محمد، «بررسی مفهومی علم سکولار و علم دینی»، *پیک نور (علوم انسانی)*، دوره چهارم، شماره ۱، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. قشیری نیشابوری، الحافظ اَبی الحسین مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۶ ق.
۲۱. کلینی، أبوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. محیطی اردکان، محمدعلی، «پیشینه رابطه علم و دین در اسلام و غرب»، *معرفت*، شماره ۱۸۸، مرداد ۱۳۹۲ ش.
۲۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۲۴. معارف، مجید و دیگران، «مطالعه انتقادی شبهات کتاب "نقد قرآن" درباره خلقت کوه‌ها در قرآن کریم و نهج البلاغه»، *پژوهش‌های علم و دین*، سال دهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۲۶. مهدوی آزادبنی، رمضان، «علم زدگی و بحران در علوم انسانی»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، دوره شانزدهم، شماره ۵۰، ۱۳۹۱ ش.
۲۷. هابرماس، یورگن، *شناخت و علاقه‌های انسانی*، ترجمه ناصرالدین علی تقویان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۴۰۰ ش.

28. Feyerabend, Paul, *Against Method*, Verso, 1993.

29. Harder, G. Henry & Wagner, Shannon & Rash, Josh, *Mental Illness in the Workplace: Psychological Disability Management*, Gower publishing, 2014.

30. Herrick, Jim, *Humanism: An Introduction*, Amazon.com Barnes & Noble.com Books-A-Million IndieBound, 2005.
31. Jackson, Howard & Stockwell, Peter, *An Introduction to the Nature and Functions of Language*, Second Edition, Bloomsbury Academic, 2011.
32. Loue, Sana, *Encyclopedia of Aging and Public Health*, Springer, 2008.
33. Matas, Manuel, *The Borders of Normal: A Psychiatrist Destigmatizes the Paranormal*, FriesenPress, 2017.
34. Merrill, F., Unger, *New Unger's Bible Dictionary*, Editors: Cyril J. Barber, Howard F. Vos, R. K. Harrison, 2005.
35. Morse, M., et al, Conner, *Near-death experiences in a pediatric population, A preliminary report*, Am. J. Dis. Child, 1985.
36. Pigliucci, Massimo & Maarten Boudry, 2013, *Philosophy of Pseudoscience, Reconsidering the Demarcation Problem*, University Of Chicago Press  
Quinton, Anthony, "Scientism". In Bullock, Alan; Trombley, Stephen; Lawrie, Alf (eds.). *The New Fontana Dictionary of Modern Thought* (3rd ed.). London: HarperCollins Publishers, 1999.
37. Quinton, Anthony, 1999, "Scientism", In Bullock, Alan; Trombley, Stephen; Lawrie, Alf (eds.). *The New Fontana Dictionary of Modern Thought* (3rd ed.). London, HarperCollins Publishers.
38. Russell, J., Peter, et al, *Biology: The Dynamic Science*, Volume 1, BROOKS/COLE, 2014.
39. Sadler. T., *Langman's Medical Embryolog (pdf)*, Twelfth Edition, Lippincott Williams & Wilkins, 2012.
40. Scientism Definition & Meaning - Merriam-Webster.
41. Sperry, Len, *Mental Health and Mental Disorders An Encyclopedia of Conditions, Treatments, and Well-Being*, ABC-CLIO, 2015.
42. Stenmark, Mikael, et al, *Relativism and Post-Truth in Contemporary Society: Possibilities and Challenges*, . Palgrave Macmillan, 2018.
43. Yakushko, Oksana, *Scientific Pollyannism: From Inquisition to Positive Psychology*, Palgrave Macmillan, 2019
44. <https://www.merriam-webster.com>
45. <https://www.newworldencyclopedia.org/>